

## نقد و بررسی جریان

# المصاحف توحید

## در زمان خلافت عثمان

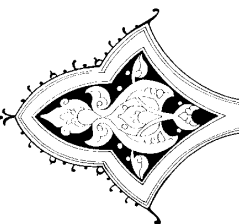
مرتضی قاسمی حامد

دانش‌آموخته علوم حدیث و روایت و ۸۳ و دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی

کلیدواژه‌ها: توحید المصاحف، مصاحف عثمانی، مصحف امام.

### چکیده

مهم‌ترین کاری که عثمان در دوران خلافت خود به آن دست زد یکسان کردن مصاحف بود که به توحید المصاحف شهرت یافته است، اما در چگونگی و زمان و مکان وقوع این واقعه، وحدت نظر وجود ندارد، به این خاطر سؤالاتی در این باره به ذهن انسان خطور می‌کند که به‌طور معمول نمی‌توان به این سؤالات پاسخ گفت مگر بعد از تحقیق بسیار. از این روی این نوشتار به بررسی جریان توحید المصاحف در زمان خلافت عثمان می‌پردازد که در آن پس از ذکر مباحث، سؤالاتی که ممکن است به ذهن مخاطب خطور کند، مطرح و به آنها پاسخ داده می‌شود؛ به‌طوری که سعی شده تا نظر واحدی در این باره به خوانندگان ارائه گردد.



## مقدمه

با درگذشت پیامبر اکرم (ص) بسیاری از صحابه ایشان به جمع‌آوری قرآن پرداختند و هریک مصحفی از آیات قرآنی برای خود ترتیب دادند ولی چون تمامی صحابه، همه آیات را از پیامبر اکرم (ص) نشنیده بودند، در مصاحف آنها اختلافاتی به وجود آمد و این اختلافات روز به روز بیشتر شد تا اینکه در زمان عثمان به اوج خود رسید. به این ترتیب مهم‌ترین اقدامی که عثمان انجام داد، یکسان کردن این مصاحف بود؛ چون اگر در این باره فکری نمی‌شد چه بسا به تفرقه و دودستگی بین مسلمانان تبدیل می‌گردید. نکته قابل توجه اینکه در نقلهای این جریان و روایات پیرامون آن شبهه‌هایی وارد شده و از این رو در میان صاحب‌نظران اختلافهای فراوانی به وجود آمده است. این اختلافات باعث ایجاد سؤالاتی در ذهن انسان می‌شود که جویندگان علم را به سمت تحقیق می‌کشاند. این سؤالات از این قرارند:

۱. آیا مصحف ابوبکر که نزد حفصه بود در ابتدای کار مجمع توحید المصاحف، به دست آنها رسید یا در انتهای کار؟
۲. چه تعداد از صحابه به کار توحید المصاحف مشغول شدند؟
۳. جریان توحید المصاحف در چه سالی رخ داد؟
۴. تعداد مصحفهایی که به دستور عثمان نوشته شد چه مقدار بود؟
۵. علت مخالفت عبدالله بن مسعود با مجمع توحید المصاحف چه بود؟
۶. ویژگیهای مصحف عثمانی چه بود؟
۷. آیا مصاحف نوشته شده عثمانی باهم اختلاف داشتند؟
۸. آیا عثمان به نگارندگان دستور داد که مصحفها را به گونه‌های مختلف بنویسند؟

## جریان توحید المصاحف

پس از درگذشت پیامبر اکرم (ص)، صحابه ایشان به جمع‌آوری قرآن پرداختند و هریک مصحفی از آیات قرآنی ترتیب دادند و با گسترش قلمرو اسلام این مصحفها افزایش یافت و چون این مصحفها نسبت به یکدیگر دارای اختلافهایی بودند، میان پیروان آنها نیز اختلافهایی به وجود آمد و از این روی هر گروه، گروه دیگر را تکفیر می‌کردند و تنها قرائت خود از قرآن را صحیح می‌دانستند. این اختلافات در زمان عثمان به اوج خود رسید.<sup>۱</sup> از قضا، حذیفه بن یمان در بازگشت از جنگ سرزمین

ارمنستان با مردمی از حمص، دمشق، کوفه و بصره برخورد کرد و دید که هریک از آنها از شخصی در قرائت قرآن تبعیت می‌کنند و بنابراین قرائت خود را بهتر از سایر قرائتها می‌دانند. از این روی وقتی به کوفه رسید این اختلاف را در میان مردم بیان کرد، ولی عده‌ای موافقت و عده‌ای مخالفت کردند و میان آنها مشاجره‌ای در گرفت. به این ترتیب برای یافتن راه چاره نزد عثمان رفت.<sup>۲</sup>

حذیفه پس از ورود بر عثمان، اختلافات را به او گزارش داد و از او خواست تا پیش از آنکه مسلمانان هم، مانند یهود و نصاری به گمراهی و اختلاف کشیده شوند، برای این مشکل چاره‌ای بیندیشد.<sup>۳</sup> عثمان پس از شنیدن سخنان حذیفه، بر بالای منبر رفت و گفت: شما که در اینجا هستید با یکدیگر اختلاف دارید، چه بسا شهرهای دیگر اختلافشان بیشتر است پس بیایید که امامی برای مردم بنویسیم.<sup>۴</sup> صحابه همگی با عثمان به موافقت پرداختند و نظر حذیفه را تأیید کردند.<sup>۵</sup>

از جمله کسانی که از این کار حمایت کرد، علی (ع) است که در روایت آمده که فرمودند: «اگر امر مصحفها به من نیز سپرده می‌شد، من هم همانند عثمان عمل می‌کردم».<sup>۶</sup> در روایت دیگری نیز فرمودند: «سوگند به خدا که عثمان درباره مصاحف هیچ عملی را انجام نداد، مگر اینکه در حضور ما و با مشورت ما بود».<sup>۷</sup> اما از میان صحابه، عبدالله بن مسعود با این کار به مخالفت پرداخت.<sup>۸</sup>

به این ترتیب عثمان، مجمعی متشکل از چهار نفر<sup>۹</sup> به نامهای زید بن ثابت، عبدالله بن زبیر، سعید بن عاص و عبدالرحمن بن حارث بن هشام<sup>۱۰</sup> را به سرپرستی زید بن ثابت بر این کار گماشت. زید غیر قریشی و اما سه تن دیگر همگی قریشی بودند.<sup>۱۱</sup> از این روی عثمان رو به آنها کرد و گفت: اگر به اختلاف برخوردید به زبان قریش بنویسید؛ زیرا قرآن به زبان شما نازل شده است.<sup>۱۲</sup> آنگاه سعید بن عاص که شبیه‌ترین لهجه را به رسول‌الله داشت، برای املا کردن و زید بن ثابت که کاتب رسول‌الله بود، را برای کتابت انتخاب کرد.<sup>۱۳</sup> این مجمع کار خود را آغاز کرد و عثمان دستور داد تا مسلمانان هر نوشته‌ای که از قرآن دارند برای مجمع ببرند و به دنبال مصحف ابوبکر که نزد حفصه بود نیز فرستاد<sup>۱۴</sup> تا مبادا مصحفی فراموش شود و مورد بررسی قرار نگیرد.

آنان آیات را با شهادت دو عادل می‌نوشتند<sup>۱۵</sup> و گاه برای یافتن شخصی که می‌دانستند رسول‌خدا (ص) آیه‌ای را برای او خوانده، مسافتهای طولانی را طی می‌کردند تا مطمئن



به طوری که در رابطه با خزیمه به دلیل ذوالشهادتین بودن، آیه‌اش را پذیرفتند.<sup>۳۰</sup> اگر اساس کار، مصحف ابوبکر می‌بود دیگر نیازی به این کارها نبود چون این کار قبلاً در زمان ابوبکر انجام شده بود.

۳. نیافتن آیه ۲۳ سوره احزاب جز در نزد خزیمه.<sup>۳۱</sup> این آیه در تدوین مصحف ابوبکر یافت شده بود و تنها دو آیه آخر سوره توبه را نیافتند،<sup>۳۲</sup> بنابراین اگر اساس کار، مصحف ابوبکر بود دیگر نیافتن آیه ۲۳ سوره احزاب معنایی پیدا نمی‌کند.

۴. عثمان می‌گوید: اگر به اختلاف برخوردید بر زبان قریش بنویسید.<sup>۳۳</sup>

اگر اساس کار، مصحف ابوبکر بود دیگر اختلاف معنایی ندارد، حداقل اینکه می‌بایست می‌گفت که در موارد اختلاف به شکل مصحف ابوبکر بنویسید. اختلاف در ثبت کلمه «التابوت».<sup>۳۴</sup>

نمی‌شود که در مصحف ابوبکر این کلمه به دو شکل ثبت شده باشد که آنها در ثبت آن اختلاف کنند پس اساس کار، مصحف ابوبکر نبوده است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مصحف ابوبکر، اساس کار مجمع نبوده است. از این روی ما روایات دسته دوم را می‌پذیریم.

### تعداد اعضای مجمع توحید المصاحف

در رابطه با تعداد کسانی که به این کار مشغول شدند، اختلافات فراوانی وجود دارد، به طوری که تعداد آنها را ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۲ و...<sup>۳۵</sup> گفته‌اند.

در جمع‌بندی این روایات گفته شده: ابتدا کار به زید واگذار شد ولی به دلیل مخالفتها، خود عثمان به جای او مسئولیت را برعهده گرفت. با این حال توانست از عهده کار برآید و از کسانی چون ابی بن کعب کمک گرفت که در این زمان ابی بن کعب ریاست گروه را برعهده داشت.<sup>۳۶</sup>

ابن حجر در این باره می‌گوید: در ابتدا کار با زید و سعید بود اما بعد احتیاج به کمک پیدا کردند و افرادی به آنها اضافه شد و از ابی بن کعب در املا کمک گرفتند.<sup>۳۷</sup>

آنچه به نظر می‌رسد این است که ابتدا عثمان، زید را برای این کار برگزید و او هم به تدریج سه نفر دیگر را به خود ملحق ساخت تا اینکه گروه چهار نفری تشکیل دادند. در این زمان عثمان، زید را برای کتابت و سعید را برای قرائت، انتخاب نمود. بنابراین، این چهار نفر مصحف امام را تدوین نمودند. بعد برای تهیه نسخه‌های بعدی، نیاز به کمک پیدا

شوند که آیه فوق در آخرین عرضه بر پیامبر (ص) تثبیت شده است<sup>۱۶</sup> و از این روی جای آیات فوق را در مصحف خالی می‌گذاشتند تا شخص مورد نظر را دیدار کنند.<sup>۱۷</sup> در ثبت کلمه «التابوت» بینشان اختلاف به وجود آمد که آیا آن را به صورت «التابوة» بنویسند و یا به صورت «التابوت» ثبتش نمایند. به این خاطر نزد عثمان رفتند و او به آنها گفت که آن را به صورت «التابوت» بنویسند چون به زبان قریش است.<sup>۱۸</sup> به این ترتیب کار رو به اتمام بود ولی آنها هنوز آیه «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه»<sup>۱۹</sup> را نیافته بودند تا اینکه آن را نزد خزیمه بن ثابت انصاری که پیامبر (ص) شهادتش را برابر دو نفر قرار داده بود، یافتند و در سر جایش ثبت کردند.<sup>۲۰</sup> در رابطه با سوره توبه در ابتدایش «بسم الله الرحمن الرحيم» نیاوردند که در این باره از علی (ع) پرسیده شد و ایشان فرمودند: بسم الله برای امان است و [سوره] توبه، فرمان شمشیر زدن را آورد.<sup>۲۱</sup>

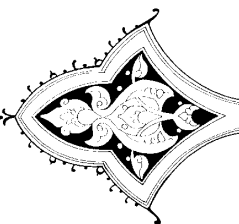
سرانجام کار به پایان رسید و اعضای مجمع نسخه‌ها را برای تأیید نهایی نزد عثمان بردند و او گفت: چیزی از لحن در آن می‌بینم که عرب با زبانش آن را درست می‌خواند<sup>۲۲</sup> ولی اگر املاکننده از هذیل و کاتب از تقیف بود، چنین نمی‌شد.<sup>۲۳</sup> در این زمان عثمان دستور داد تا هر یک از مصحفها<sup>۲۴</sup> را به همراه معلمی به یکی از شهرها بفرستند و نیز از مردم خواست تا هر نوشته‌ای از قرآن که غیر از مصاحف مزبور دارند از بین ببرند<sup>۲۵</sup> و مصحف ابوبکر را هم به نزد حفصه برگرداند.<sup>۲۶</sup>

### آیا مصحف ابوبکر اساس کار مجمع بود؟

در رابطه با اینکه مصحف ابوبکر چه زمانی به دست مجمع رسید، اختلافاتی وجود دارد به طوری که دو دسته روایت در این باره داریم؛ دسته اول، نشان دهنده رسیدن مصحف در ابتدای کار<sup>۲۷</sup> و دسته دوم، نشان دهنده رسیدن آن در انتهای کار است.<sup>۲۸</sup> عده‌ای با استناد به روایات دسته اول خواسته‌اند تا اساس کار مجمع را مصحف ابوبکر معرفی کنند ولی پذیرفتن آن با برخی وقایع مغایرت دارد که از این قرارند:

۱. روایاتی که حکایت از مقابله کردن نسخه‌ها می‌نمایند.<sup>۲۹</sup> اگر اساس کار، مصحف ابوبکر می‌بود دیگر نیازی به مقابله کردن نسخه‌ها نبود و می‌بایست تنها از روی نسخه او به نسخه برداری می‌پرداختند.

۲. شهادت دادن دو شاهد (که آیات مورد نظر را در زمان پیامبر ثبت کرده و آن را به آن حضرت عرضه نموده باشند)،



تعداد مصحفهایی که تا زمان او نوشته شده بوده را گزارش کرده است؛ زیرا این گونه نبوده که عثمان صبر کرده باشد تا همه مصحفها نوشته شود و بعد آنها را به بلاد اسلامی بفرستد بلکه هریک از مصحفها که آماده می شد به سرعت آن را به همراه معلمی به یکی از بلاد اسلامی می فرستاد؛ چون مسلمانان به قرآن نیاز داشتند.

### علت مخالفت عبدالله بن مسعود با مجمع توحید المصاحف

در این باره دو علت بیان شده است که از این قرارند: ارنجیدن خاطر عبدالله بن مسعود از عثمان: عثمان، عبدالله بن مسعود را به ریاست بیت المال انتخاب کرده بود. او پس از درگیری ای که بین سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن مسعود پیش آمد، سعد را از حکمرانی برداشت و بعد ولید بن عقبه را به جای او نشاند. ولید به کارهایی می پرداخت که اسباب اذیت عبدالله را فراهم می کرد. از جمله اینکه وامی از بیت المال گرفته بود ولی در سر رسید آن اقدام به بازپرداختش نمی کرد و به این خاطر عبدالله به عثمان شکایت کرد و عثمان از ولید جانبداری کرد که باعث رنجش عبدالله شد.<sup>۴۳</sup> بنابراین چون از دست عثمان ناراحت بود با کار او مخالفت کرد و گرنه او نیز همچون دیگران با اصل یکسان کردن مصاحف مخالف نبود.

۲. به دلیل انتخاب زید: عبدالله در این باره گفت: «مرا از این کار کنار گذاشتند و آن را به مردی سپردند که به خدا سوگند، زمانی که او در صلب مردی کافر بود، من اسلام را پذیرفته بودم».<sup>۴۴</sup> و یا در جای دیگر گفت: «زید، سرگرم بازیهای کودکان بود که من ۷۰ سوره از پیامبر (ص) فرا گرفتم».<sup>۴۵</sup>

کردند که به تدریج افرادی دیگر به آنها اضافه شدند تا جایی که برخی تعداد آنها را ۱۲ نفر گفته اند. به این ترتیب افراد مختلفی به املائی مصحفها پرداختند که از جمله آنها ابی بن کعب بود. از این روی املائی ابی بن کعب با املائی سعید تناقض پیدا نمی کند چون سعید املائی مصحف امام را برعهده داشت ولی ابی املائی نسخه های بعدی را عهده دار بود. در خصوص ریاست زید نیز باید بگوییم که به دلیل کثرت روایتهایی که ریاست او را تأیید می کنند، نمی توانیم خلاف آن را بپذیریم. به این خاطر معتقدیم که زید کماکان ریاست مجمع را برعهده داشت هر چند که در تهیه نسخه های بعدی خود به کتابت نمی پرداخت.

### زمان وقوع توحید المصاحف

گفته اند که واقعه توحید المصاحف در اواخر سال ۲۴ق، یا آغاز سال ۲۵ق و یا در سال ۳۰ق رخ داده است. برخی با استناد به شواهد تاریخی ثابت می کنند که این واقعه در سال ۲۵ق به وقوع پیوسته است.<sup>۳۹</sup> اما برخی دیگر بیان می دارند که این واقعه از سال ۲۵ق تا سال ۳۰ق به شکل تدریجی انجام گرفته است.<sup>۴۰</sup> با توجه به شرایط آن زمان و نبود وسایل و افراد کافی برای کتابت قرآن، احتمال اینکه کار سالها به طول انجامیده باشد، وجود دارد بنابراین اجباری نیست تا تمامی کسانی که به عثمان پیشنهاد این کار را دادند در انتهای کار زنده بوده باشند. پس شواهد تاریخی تنها زمان آغاز این جریان (یعنی زمانی که حذیفه به عثمان پیشنهاد یکسان کردن مصاحف را داد) را ثابت می کنند. از این روی با توجه به دلایل قاطعی که گروه اول ارائه کرده اند می توان بین این دو نظر را جمع کرد و نتیجه گرفت که بی شک این واقعه در سال ۲۵ق آغاز شده است ولی با توجه به حجم کار و اینکه افرادی به تدریج به آنها اضافه شدند، به خصوص برای تهیه نسخه های بعدی از روی نسخه امام، امتداد کار تا سال ۳۰ق کشیده شده است و در نهایت در این سال خاتمه یافت به طوری که برخی از ابتدای کار و برخی از انتهای کار خبر داده اند.

### تعداد مصاحف عثمانی

تعداد مصاحف را ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ نسخه<sup>۴۱</sup> گفته اند. سیوطی اظهار می کند که قول مشهور ۵ مصحف بوده است.<sup>۴۲</sup> در رابطه با این اختلاف باید بگوییم که این مصحفها به تدریج نوشته شدند و فاصله بین نوشتن یک مصحف تا مصحف بعدی زیاد بوده است. بنابراین هریک از مورخان





اعراب بوده است و نقطه گذاری و اعراب گذاری قرآن برای نخستین بار توسط ابوالأسود دؤلی<sup>۵۰</sup> صورت گرفت. بنابراین عثمان به همان شکلی که در زمانش رایج بود، قرآن را نوشت.

ب) زرقانی حدیث نزول قرآن بر هفت حرف را با قرائتهای هفت گانه خلط کرده است، در صورتی که حدیث نزول قرآن بر هفت حرف در زمان پیامبر (ص) نقل شده ولی قرائتهای هفت گانه مربوط به سالها بعد از وفات عثمان است و این دو باهم متفاوتند.

ج) ما دو روایت از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) داریم که نزول قرآن بر هفت حرف را رد کرده‌اند.<sup>۵۱</sup> در پی آن برخی با دلایلی این روایات را مردود دانسته‌اند<sup>۵۲</sup> و برخی تنها در صورتی آنها را می‌پذیرند که مراد از حرف را لهجه و مراد از سبعه را کثرت بدانیم<sup>۵۳</sup> هرچند در خود اهل سنت نیز این روایات با یکدیگر تناقضهایی دارند ولی با این حال، ملحق کردن این روایت به عثمان جهت ایجاد وجه مختلف قرائت امری غیر معقول است و با گفته عثمان مبنی بر کتابت مصحف به زبان قریش مغایرت دارد.

## ۲. وارد شدن لحن در مصاحف عثمانی

دلیل این مطلب روایاتی است که در آنها عثمان از وجود لحن در مصاحف خبر می‌دهد. مانند روایتی که عثمان پس از دیدن مصاحف می‌گوید: چیزی از لحن در آن می‌بینم که عرب با زبانش آن را درست می‌خواند.

## ۳. ترتیب سوره‌ها به صورت کنونی

همان‌طور که می‌دانید مصاحف صحابه در ترتیب سوره‌ها

به نظر می‌رسد که علت اول درست‌تر باشد چون زید در زمان ابوبکر نیز مسئول جمع قرآن شد ولی عبدالله در آن زمان با انتخاب او مخالفتی نکرد، در صورتی که در آن زمان زید بسیار کوچک‌تر بود. بنابراین علت مخالفت عبدالله رنجیده‌خاطری او بوده است و اگر هم آن مطالب را در مورد زید گفته باشد، از روی عصبانیت بوده است؛ زیرا با وجود موافقت علی (ع) دلیلی بر مخالفت عبدالله وجود ندارد.

در رابطه با اینکه آیا عبدالله بعدها موافقت خود را اعلام کرد و یا همچنان بر مخالفت خود باقی ماند، اختلافهای فراوانی وجود دارد.<sup>۴۶</sup> ولی زرقانی با استناد به قرائت عاصم از زرع که از طریق ابن مسعود روایت شده است و در آن هیچ اختلافی با دیگر مصاحف عثمانی وجود ندارد، نتیجه گرفته است که بعدها عبدالله با کار این مجمع موافقت نمود<sup>۴۷</sup> و بنابراین مصحف خود<sup>۴۸</sup> را از بین برد و با آن را کنار گذاشت و مصحفی مطابق با مصحف عثمانی برای خود تهیه کرد.

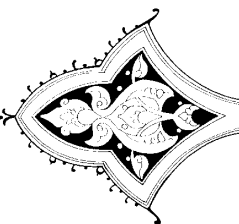
## ویژگیهای مصاحف عثمانی

### ۱. نداشتن نقطه و اعراب

زرقانی می‌گوید: عثمان می‌خواست تا مصاحف مشتمل بر حروف هفت گانه باشند، به همین منظور از اعراب گذاری و نقطه گذاری کلمات خودداری کردند تا نسخه‌ها قابلیت پذیرش قرائتهای مختلف را داشته باشند.<sup>۴۹</sup>

این گفته درست نیست زیرا:

الف) رسم الخط اعراب در زمان عثمان فاقد نقطه و





درست تلفظ می‌کرده‌اند از کنارش می‌گذرد، در صورتی که اگر خود، این دستور را داده بود نباید از کار آنها متعجب می‌شد و یا از آنها شکایت می‌کرد. پس علت گوناگونی مصاحف، فاقد نقطه و اعراب بودن رسم الخط عربی و سهل انگاری کاتبان مصاحف بوده است و نه دستور عثمان.

قریش بنویسید.  
از این سخن برمی‌آید که عثمان، نوشتن قرآن را تنها با یک زبان اجازه داده است.  
۲. عثمان از وجود لحن در مصاحف تعجب می‌کند ولی چون اعراب با زبان، آن را درست تلفظ می‌کنند از کنارش می‌گذرد.

از این سخن برمی‌آید که عثمان دستور گوناگونی مصاحف را نداده است و تنها به این خاطر که اعراب موارد لحنی را

## نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که:

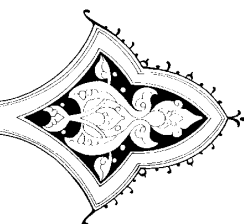
۱. مصحف ابوبکر، که نزد حفصه بود در انتهای کار به دست مجمع رسید.
۲. مصحف ابوبکر اساس کار مجمع نبوده است بلکه همه مصاحف به یک میزان مورد بررسی قرار گرفتند.
۳. تعداد اعضای مجمع مشخص نیست؛ چون این افراد به تدریج وارد این کار شدند.
۴. این جریان در سال ۲۵ ق آغاز شد و در فاصله بین سال ۲۵ ق تا سال ۳۰ ق به شکل تدریجی انجام گرفت.
۵. تعداد مصاحف عثمانی مشخص نیست؛ چون به تدریج نوشته شده و به شهرهای مختلف فرستاده شدند.
۶. علت مخالفت عبدالله بن مسعود با مجمع توحید المصاحف، رنجیدن خاطر او از عثمان بوده است.
۷. از ویژگیهای این مصاحف، نداشتن نقطه و اعراب، وارد شدن لحن و ترتیب سوره‌ها به صورت کنونی بود.
۸. در این مصاحف اختلافاتی وارد شده بود.
۹. علت گوناگونی مصاحف، فاقد نقطه و اعراب بودن رسم الخط عربی و سهل انگاری کاتبان مصاحف بوده است نه دستور عثمان.

## پی‌نوشتها

- ۱- جهت اطلاع از اختلافات موجود رک: سجستانی، کتاب المصاحف، دراسة و تحقیق و نقد: محب‌الدین عبدالسیحان واعظ، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیه، ادارة الشؤون الاسلامیه قطر، ۱۴۱۵ ق، ج ۱ صص ۱۸۵-۱۸۷، ۲۰۴-۲۱۷، ۲۴۳ و ۲۴۴.
- ۲- رک: ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر للطباعة و النشر، ۱۳۸۵ ق، ج ۳ صص ۱۱۱.
- ۳- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ صص ۲۰۴-۲۱۱، ۲۱۱.
- ۴- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ صص ۲۱۱ و ۲۱۲.
- ۵- رک: ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳ صص ۱۱۲.
- ۶- رک: ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳ صص ۱۱۲؛ سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ صص ۱۸۶.
- ۷- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ صص ۲۱۴؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳ صص ۱۱۲؛ ابن حجر، فضائل القرآن، ص ۴۱.
- ۸- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ صص ۱۸۹-۲۰۱؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳ صص ۱۱۲.
- ۹- در تعیین تعداد اعضای مجمع اختلافات فراوانی وجود دارد.
- ۱۰- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ صص ۲۰۵، بخاری، صحیح البخاری، ج ۲ صص ۳۷۹ و ۳۸۰، ج ۳ صص ۳۲۳؛ ابن حجر، فضائل القرآن، ص ۲۵؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳ صص ۱۱۲.
- ۱۱- رک: بخاری، صحیح البخاری، ج ۲ صص ۳۷۹ و ۳۸۰؛ سعید «اموی»، عبدالله «اسدی» و عبدالرحمن «مخزومی» (بود): رک: ابن حجر، فضائل القرآن، ص ۴۳.
- ۱۲- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ صص ۲۰۵؛ بخاری، صحیح البخاری، ج ۳ صص ۲۴۳ و ۲۴۴؛ جمیل العطار، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۴ ق، ج ۳ صص ۳۲۳؛ ابن حجر، فضائل القرآن، مراجعه و شرح و تقدیم: السید الجمیلی، بیروت: دارومکتبه الهلال، ۱۴۲۱ ق، ص ۲۵.



- صحیح البخاری، ج ۲ ص ۳۸۰، المصاحف، ج ۱ ص ۲۳۰) ولی این مطلب درست نیست چون برخلاف عصمت پیامبر(ص) و تواتر قرآن و عدم تحریف آن است.
- ۱۳- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۲۱۷ و ۲۱۸.
- ۱۴- رک: طبری، تفسیر الطبری، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۴۱۲ ق، ج ۱ ص ۴۹ و ۵۰؛ سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۲۰۴-۲۱۱؛ ابن حجر، فضائل القرآن، ص ۲۵؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳ ص ۱۱۲.
- ۱۵- رامیار، تاریخ قرآن، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰ ش، ص ۴۲۷.
- ۱۶- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۲۲۰ و ۲۲۱.
- ۱۷- رک: خویی، البیان فی تفسیر القرآن، اخراج و فهرسة: مرتضی الحکمی، مطبعه الاداب فی النجف الاشرف، ۱۳۸۵ ق، ص ۲۶۳ و ۲۶۴.
- ۱۸- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۲۱۲؛ ابن حجر، فضائل القرآن، ص ۴۳.
- ۱۹- احزاب، ۲۳
- ۲۰- رک: بخاری، صحیح البخاری، ج ۳ ص ۳۲۳؛ سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۲۰۶ و ۲۲۵؛ ابن حجر، فضائل القرآن، ص ۲۶.
- ۲۱- سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، حقه و علق علیه و خرج احادیثه: فواز احمد زمرلی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۹۱۹ ق، نوع ۱۹، ج ۱ ص ۲۲۸.
- برخی گفته اند که علت این امر، این بود که پیامبر(ص) وفات کردند و مشخص نمودند و از این رو سوره توبه بدون بسم الله نوشته شد(رک: سجستانی، کتاب
- فضائل القرآن، ص ۲۶.
- ۲۲- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۲۳۲.
- ۲۳- همو، ج ۱ ص ۲۳۵.
- ۲۴- در تعیین تعداد مصحفها اختلافات فراوانی وجود دارد.
- ۲۵- مصحفهای دیگر را یا سوزاندند، یا با آب شستند، یا پاره پاره کردند، و یا بین قبر و منبر پیامبر اکرم(ص) دفن کردند(رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۲۰۵، ۲۰۶ و ۲۴۱؛ ابن حجر، فضائل القرآن، ص ۴۴ و ۴۵).
- ۲۶- این مصحف را عبدالله بن عمر، بعد از مرگ حفصه، به دستور مروان گرفت و از بین برد(رک: ابن حجر، فضائل القرآن، ص ۴۳ و ۴۴؛ سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۲۱۱ و ۲۱۹؛ طبری، تفسیر الطبری، ج ۱ ص ۴۹).
- ۲۷- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۲۰۴-۲۱۱.
- ۲۸- طبری، تفسیر الطبری، ج ۱ ص ۴۹. نقل می شود که در انتهای کار مصحف ابوبکر را از حفصه گرفتند و در آن نسبت به مصحف خود هیچ اختلافی نیافتند(طبری، تفسیر الطبری، ج ۱ ص ۴۸-۵۰).
- ۲۹- رک: طبری، تفسیر الطبری، ج ۱ ص ۴۹ و ۵۰.
- ۳۰- رک: بخاری، صحیح البخاری، ج ۳ ص ۳۲۳؛ سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۲۰۶ و ۲۲۵؛ ابن حجر، فضائل القرآن، ص ۲۶.
- ۳۱- رک: همان.
- ۳۲- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۲۲۶-۲۲۹.
- ۳۳- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۲۰۵؛ بخاری، صحیح البخاری، ج ۲ ص ۳۸۰؛ سجستانی، کتاب التاریخ، ج ۳ ص ۱۱۲.
- ۳۴- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۲۱۲؛ ابن حجر، فضائل القرآن، ص ۴۳.
- ۳۵- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۲۰۴-۲۰۵؛ طبری، تفسیر الطبری، ج ۱ ص ۴۹ و ۵۰؛ بخاری، صحیح البخاری، ج ۲ ص ۳۷۹ و ۳۸۰؛ ابن حجر، فضائل القرآن، ص ۲۵؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۲۱۲؛ زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱ ص ۲۵۰؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱ ص ۱۱۲؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱ ص ۳۳۹ و ۳۴۰؛ معرفت، تاریخ قرآن، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۰۰؛ رامیار، تاریخ قرآن، ص ۴۱۷-۴۲۱.
- ۳۶- رک: معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۳۳۹ و ۳۴۰؛ معرفت، تاریخ قرآن، ص ۱۰۰.
- ۳۷- رک: ابن حجر، فضائل القرآن، ص ۴۲.
- ۳۸- رک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۲۱۲؛ زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ص ۲۶۸-۲۷۲).
- ۳۹- رک: زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۲۵۱.
- ۴۰- حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ش، ص ۳۰۱ و ۳۰۲.
- ۴۱- عن ابی جعفر(ع) قال: «إن القرآن واحد نزل من عند واحد ولكن الاختلاف یجیئ من قبل الرواة» و الفضیل بن یسار قال: قلت لابی عبدالله(ع): إن الناس
- القرآن، ج ۱ ص ۲۵۰.
- ۳۹- رک: معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۳۴۳-۳۴۴.
- ۴۰- رامیار، تاریخ قرآن، ص ۴۵۹-۴۶۴.
- ۴۱- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۲۴۱ و ۲۴۲؛ رامیار، تاریخ قرآن، ص ۴۵۹-۴۶۴.
- ۴۲- رک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۲۱۴.
- ۴۳- رک: رامیار، تاریخ قرآن، ص ۴۲۰-۴۴۴.
- ۴۴- رک: سجستانی، کتاب المصاحف، ج ۱ ص ۱۹۹.
- ۴۵- رک: همو، ج ۱ ص ۱۹۲-۱۹۴.
- ۴۶- جهت اطلاع از این اختلافها، رک: رامیار، تاریخ قرآن، ص ۴۲۰-۴۴۴.
- ۴۷- رک: زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۲۷۷.
- ۴۸- گفته شده که مصحف عبدالله بن مسعود فاقد معوذتین و حمد بوده است(رک: زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۲۶۸-۲۷۲).
- ۴۹- رک: زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۲۵۱.
- ۵۰- حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ش، ص ۳۰۱ و ۳۰۲.
- ۵۱- عن ابی جعفر(ع) قال: «إن القرآن واحد نزل من عند واحد ولكن الاختلاف یجیئ من قبل الرواة» و الفضیل بن یسار قال: قلت لابی عبدالله(ع): إن الناس





۶۸- زخرف، ۶۸	۵۹- بقره، ۱۳۲	تناقضهای موجود بین این روایات	یقولون: إن القرآن نزل علی سبعة
۷۲- مائده، ۴۸	۶۰- مائده، ۵۴	است.	احرف، فقال: «كذبوا اعداء الله و
۷۳- آل عمران، ۱۸۴	۶۱- كهف، ۳۶	۵۳- ر.ک: معرفت، تاریخ قرآن،	لكنه نزل علی حرف واحد من عند
۷۴- توبه، ۱۰۰	۶۲- غافر، ۲۱	ص ۱۵۰. ایشان قدر مشترک این	الواحد» کلینی، الکافی، صححه
۷۵- انعام، ۱۳۷	۶۳- غافر، ۲۶	روایات را پذیرفته‌اند.	و علق علیه: علی اکبر غفاری،
۷۶- یونس، ۲۲	۶۴- سوری، ۳۰	۵۴- ر.ک: سجستانی، کتاب	بیروت: دارالصعب، دارالتعارف،
۷۷- تکویر، ۲۴	۶۵- زخرف، ۷۱	المصاحف، ج ۱ ص ۲۳۲ و ۲۳۵.	۱۴۰۱ ق، ج ۲ ص ۶۳۰، کتاب
۷۸- شعراء، ۱۱۶ و ۱۶۷	۶۶- انعام، ۶۳	۵۵- ر.ک: همو، ج ۱ ص ۲۳۸.	فضل القرآن، باب النوادر، احادیث
۷۹- حدید، ۷	۶۷- شعراء، ۲۱۷	۵۶- ر.ک: همو، ج ۱ ص ۲۴۷-	۱۳ و ۱۲.
۸۰- زرقانی، مناهل العرفان فی	۶۸- حدید، ۲۴	۲۷۸.	۵۲- ر.ک: خوبی، البیان فی تفسیر
علوم القرآن، ج ۱ ص ۲۵۱.	۶۹- نساء، ۳۶	۵۷- آل عمران، ۱۳۳	القرآن، صص ۱۸۷-۲۱۱. دلایل
	۷۰- رعد، ۴۲	۵۸- نساء، ۱۷۱	ایشان بیشتر ناظر به اختلافات و

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر للطباعة و النشر؛ ۱۹۶۵م.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فضائل القرآن، مراجعه و شرح و تقدیم: السید الجمیلی، بیروت: دارومکتبه الهلال، ۲۰۰۰م.
۴. بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری و هو الجامع المسند الصحیح المختصر من امور رسول الله و سننه و آیامه، تخریج و ضبط: صدقی جمیل العطار، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۲۰۰۳م.
۵. حجتی، محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۵ش.
۶. خوبی موسوی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، اخراج و فهرسة: مرتضی الحکمی، مطبعه الاداب فی النجف الاشرف، ۱۹۹۶م.
۷. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ش.
۸. زرقانی، محمدعبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۹۱م.
۹. سجستانی، ابی بکر عبدالله بن سلیمان بن اشعث، کتاب المصاحف، دراسة و تحقیق و نقد: محب الدین عبدالسبحان واعظ، وزارة الوقاف و الشؤون الاسلامیه، اداره الشؤون الاسلامیه دولة قطر، چاپ اول، ۱۹۹۵م.
۱۰. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الاتقان فی علوم القرآن، حققه و علق علیه و خرج احادیثه: فواز احمد زمزلی، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ اول، ۱۹۹۹م.
۱۱. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، تفسیر الطبری المسمی جامع البیان فی تأویل القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۹۹۲م.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، صححه و علق علیه: علی اکبر غفاری، بیروت: دارالصعب، دارالتعارف، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ ق.
۱۳. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.
۱۴. معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ هشتم، پاییز ۱۳۸۵ش.

